حوادث جهان
آرزو کیهان
مترجم


میرر

حمله مرگبار به کلوپ شبانه مکزیک

مردان مسلح پس از ورود به کلوپ شبانه «سالامانکا» مکزیک ۱۴ نفر را کشته و ده‌ها نفر را زخمی کردند.
به‌گزارش میرر، حمله در ساعتی بعد از نیمه شب جمعه رخ داده و پلیس افراد مجروح را به بیمارستان منتقل کرد.
در پی این تیراندازی مقام‌های مسئول تاکنون انگیزه این حمله را اعلام نکرده و اظهار نظری نکرده‌اند.
احتمال می‌رود حمله از سوی اعضای یک باند معروف کارتل مواد مخدر به‌نام «سانتا رزا دلیما» رخ داده باشد که رهبری این کارتل را «خوزه آنتونیو یوپز» برعهده دارد.

مرگ ملکه زیبایی جهان در پیست اسکی



ملکه زیبایی جهان هنگام اسکی بر اثر سکته قلبی جان باخت.
به‌گزارش دیلی میل، «لوته ون» مدل هلندی و ملکه زیبایی سال ۲۰۱۷ در حالی که قصد داشت تولد ۲۰ سالگی اش را جشن بگیرد دچار حمله قلبی شد و پس از دو هفته کما روز جمعه جان سپرد. پدر و مادر «لوته» مرگ دردناک دختر زیبایشان را در پست اینستاگرامی خود منتشر کردند. بنا بر گزارش‌های رسیده ،«لوته» در حال گذراندن تعطیلات خود در کوه‌های اتریش و اسکی بازی بوده که دچار حمله قلبی شده است.

سقوط از پل با بی ام و سرقتی

۴ سارق که پس از ربودن یک بی‌ام و از بالای پل به کانال آب سقوط کرده بودند از سوی پلیس دستگیر شدند.
به‌گزارش میرر، سارقان که ۳ مرد و یک زن بوده‌اند پس از ربودن خودرو با سرعت زیاد در حال فرار بودند که ناگهان از مسیر منحرف شده و به داخل کانال «لستر» سقوط کردند.
گزارش‌های پلیس نشان می دهد که پس از سقوط هیچ یک از دزدان آسیب جدی ندیده و پلیس هر ۴ نفر را دستگیر کرده است.



حمله چکشی به تمساح



تصاویر حمله چند ماهیگیر در ساحل «بورنئو» مالزی و کشتن یک تمساح با چکش سوژه رسانه‌های اجتماعی شد.
به‌گزارش دیلی میل، این مردان در ساحل قدم می‌زدند که با دیدن یک تمساح ناگهان با چکش به او حمله کرده و به سرتمساح بی‌رحمانه ضربه زدند.
مردان که جزو ماهیگیران منطقه هستند در حالی که حیوان را بی‌رحمانه می‌کشند سیگار می‌کشند و لبخند بر لب دارند.
پس از این اتفاق «سوزان بیک» از سازمان حفاظت حیوانات بیان کرد که با انتشار این تصاویر پیگیر پرونده خشونت بی‌رحمانه ماهیگیران هستیم.

بزی که شهردار شد



یک بز به‌عنوان شهردار افتخاری شهر کوچک «ورمانت» در منطقه نیوانگلند انتخاب شد.
به گزارش گود نیوز، این بز ۳ ساله نخستین شهردار افتخاری شهر است که از میان ۱۶ حیوان خانگی همچون سگ و گربه برگزیده شده است.
رأی دهندگان به شهردار افتخاری کسانی هستند که حیوان خانگی دارند.

رهایی ۷۰۰ سگ از اسارتگاه

پلیس جورجیا امریکا ۷۰۰ سگ را که در یک مزرعه با شرایطی نامناسب نگهداری می شدند نجات داد.
به‌گزارش وایرد، «گری کریگ» ۵۸ ساله صاحب مزرعه اهل نشویل امریکاست که به اتهام سوءاستفاده از حیوانات بازداشت شد.



بنا بر گزارش‌های پلیس این متهم مجوز نگهداری و تکثیر سگ‌ها را نداشته و هر یک از سگ‌ها را با قیمت‌های متفاوت به فروش می‌رسانده است. سگ‌ها در اندازه و نژادهای متفاوتی هستند و در شرایط بسیاربدی نگهداری می‌شدند.

در ملأعام خواستگاری جرم است؟





گزارش
کامران علمدهی
خبرنگار

گروه حوادث/ چند روز قبل انتشار فیلم خواستگاری پسری جوان از دختر مورد علاقه‌اش در یکی از مراکز خرید شهر اراک و مقابل چشم افراد حاضر در محل با واکنش‌های مختلفی روبه‌رو شد. برخی بر این باور بودند که این شیوه از خواستگاری می‌تواند باعث ترویج فرهنگ غربی و از بین رفتن سنت‌های ایرانی - اسلامی باشد و در مقابل عده‌ای دیگر اعتقاد داشتند که این نوع خواستگاری باعث ترویج و ترغیب جوانان به ازدواج با شیوه‌ای تازه می‌شود. پس از انتشار فیلم در فضای مجازی خبر بازداشت این دو جوان به اتهام ازدواج مغایر با شئونات اسلامی شنیده شد و ساعتی بعد نیز مشخص شد آنها تا صدور حکم نهایی با قرار وثیقه آزاد شدند. اما براستی این نوع خواستگاری در کشورمان باعث هنجارشکنی و بروز جرم و فعل حرام می‌شود؟!
در دوره‌ای که جوان‌ها به دلایل مختلف حاضر به ازدواج نیستند دو جوان با شیوه‌ای متفاوت از یکدیگر خواستگاری می‌کنند، حالا ممکن است با سنت‌ها و نگاه برخی از افراد مغایرت داشته باشد اما آیا باید با برخوردهای پلیسی و قضایی فضا را متشنج کرد. وقتی بحث دستگیری مطرح می‌شود ناخودآگاه ذهن اغلب افراد جامعه به سراغ متهم‌هایی می‌رود که یا جنایتی مرتکب شده‌اند یا قتل و غارتی کرده‌اند حال آنکه این دو جوان فقط با شیوه‌ای متفاوت به سراغ سنت ازدواج و پیوند زناشویی رفته‌اند. در این باره با دو کارشناس حقوقی و اجتماعی گفت‌وگو کردیم تا بدانیم آیا مجازات خواستگاری در ملأعام دستگیری و بازداشت است؟

■ **قضاوت زودهنگام در پدیده های اجتماعی**

عیسی امینی رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز در رابطه با این موضوع می‌گوید: در جامعه‌ای که به ترویج ازدواج نیاز داریم و به جوان‌ها توصیه می‌شود که با همدلی به سمت سنت حسنه ازدواج روی بیاورید، چنین اتفاقی به طور قطع تبعات مثبتی در جامعه دارد و مقابله با آن به ضرر افکار عمومی است.
وی در ادامه تصریح می‌کند: برای من به‌عنوان یک حقوقدان جای سؤال دارد که این دو جوان به چه جرمی دستگیر شده‌اند و از هر طرف که به این قضیه نگاه می‌کنم نتوانسته‌ام درک درستی از علت دستگیری و برخورد با آنها پیدا کنم چراکه آنها نه فعل حرامی انجام داده‌اند و نه در جای خصوصی با هم ارتباط غیرعرف و قانونی داشته‌اند و در عمل هیچ فعل حرامی صورت نگرفته است.
امینی ادامه می‌دهد: دستگیری این دو جوان واقعاً جای تأمل دارد. به هرحال باید به این نکته توجه داشته باشیم که منش و رفتار متفاوت به معنای وقوع و بروز جرم نیست. چنین سوژه‌ای وقتی وارد فضای مجازی می‌شود یعنی موضوع اجتماعی می‌شود و برخورد نادرست با چنین اتفاقی می‌تواند تبعات و عواقب بدی در جامعه داشته باشد بنابراین بهتر است عکس‌العمل‌های قضایی با لحاظ کردن عکس‌العمل‌های اجتماعی صورت گیرد.
این حقوقدان خاطرنشان می‌کند: قبح‌انگاری و جرم‌انگاری منوط به افکار عمومی و برداشت اجتماعی است و وقتی سوژه را درست یا غلط محاکمه می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که هم مردم جهان آن را می‌بینند و هم مردم ایران. بنابراین نتیجه نگرش قضایی تأثیر مستقیم بر تمام مواردی خواهد داشت که به نوعی ممکن است رخ بدهد. پس این قضاوت به طور مستقیم با آسیب‌های اجتماعی که حسب تصمیم مقام قضایی شکل می‌گیرد و آسیب اجتماعی که حسب تصمیم افکار عمومی شکل می‌گیرد ارتباط دارد و این رأی یا تصمیم قضایی بیش از آنکه تصمیم قضایی باشد یک تصمیم‌گیری اجتماعی است و باید انعکاس رویکرد قضایی بر امر اجتماعی باشد. در حالی که ممکن است سیاست قضایی قوه قضائیه اصلاً چنین موضعی نباشد.
رئیس کانون وکلا تصریح می‌کند: آنچه محور توجه و دغدغه بنده به‌عنوان یک حقوقدان است، اینکه قرار نیست هر عملی که ممکن است قبح اجتماعی داشته باشد الزاماً جرم محسوب شود یا با واکنش سریع قضایی بر این جرم احتمالی حدت و شدت ببخشیم. انتظار ما از دادگستری همچون گذشته تدبیر و تأمل بر این پدیده‌های اجتماعی است. جوانان امروز الزاماً همچون پدران خود نمی‌اندیشند و این گفته‌های بنده هم به معنای صحه گذاشتن بر این رخداد نیست زیرا تأکید می‌کنم به این موضوع به‌عنوان قاضی نگاه نکرده‌ام.
امینی در پاسخ به این سؤال که آیا قرار وثیقه برای آزادی این دو زوج قانونی است یا خیر تأکید می‌کند: قرار وثیقه با توجه به چنین موضوعی جای تأمل دارد و به‌نظرم قابل قبول نیست. اما به‌نظرم قضاوت زود هنگام در مورد چنین مبحثی باعث تردید افکار عمومی می‌شود. به هرحال چنین احکامی فقط این سؤال را در اذهان عمومی ایجاد می‌کند که به چه اتهامی این دو جوان باید دستگیر و بعد هم با قرار وثیقه آزاد شوند تنها برای خواستگاری در ملأعام؟!

■ **آمار تمایل به ازدواج در ایران ۲۸ درصد است**

مجید صفاری‌نیا رئیس انجمن روانشناسان ایران هم در مورد این موضوع می‌گوید: در جامعه بحران زده ما که جوانان موانع زیادی برای ازدواج دارند و آمار ازدواج تا حد زیادی کاهش داشته است چنین رفتارهایی که به نوعی باعث ترویج سنت ازدواج می‌شود امری پسندیده است و نباید با آن برخورد قضایی کرد.
وی در ادامه تصریح می‌کند: من این فیلم را دیدم دوجوان یا با تصمیم قبلی یا بنابر شرطی که خانم برای آقا گذاشته در یک مکان عمومی اقدام به خواستگاری می‌کند و هیچ نکته منفی هم ندارد. قطعاً این دو جوان در آن مکان با هم آشنا نشده‌اند و آشنایی قبلی داشته‌اند بنابراین نباید به آن منفی نگاه کرد.
دکتر صفاری‌نیا خاطرنشان می‌کند: ممکن است برخی بر این باور باشند که این نوع از خواستگاری، سنت‌ها و فرهنگ سنتی ما را زیر سؤال می‌برد و باعث ترویج فرهنگ غربی می‌شود، اما چرا باید به چنین موضوعی این‌گونه بنگریم. در جامعه‌ای که در حال رشد است دیگر فرهنگ‌ها محدود و معطوف به یک کشور نیست و بحث دهکده جهانی مطرح است نباید انتظار داشته باشیم که نوع خواستگاری هم همانند چند دهه گذشته باشد. تغییرات در همه زمینه‌ها لازمه پیشرفت و ارتباطات است و نمی‌توانیم با آن مقابله کنیم. این روش خواستگاری هم یک مدل است و نباید با آن برخوردهایی اینچنینی داشته باشیم و دو جوان را دستگیر کنیم و بعد هم با قید وثیقه تا روز دادگاه آزاد کنیم.
دکتر صفاری‌نیا در پایان می‌گوید: آمار ازدواج بین جوانان در ایران امیدوارکننده نیست و فقط حدود ۲۸ درصد از جوانان در کشور ما میل به با هم بودن دارند بنابراین جا دارد که از مدل‌ها و روش‌های مختلف برای پیوند زناشویی استقبال کنیم و به جای دستگیری و ارعاب جوانان را به این امر حسنه تشویق و ترغیب کنیم. چه بسا ترویج ازدواج در فضاهای عمومی می‌تواند به لحاظ روانی فضای شاد و امیدواری را در جامعه افزایش دهد و باعث گرایش بیشتر جوانان به بحث ازدواج شود.



چشم امید ۵ نوجوان زندانی به دست های سخاوتمند نیکوکاران

ایران واشقانی فراهانی
خبرنگار

در حالی که شور و شادی فرارسیدن بهار، خانه‌های مردم شهر را پر نور و روشن کرده است، ۵ پسر نوجوان در کانون اصلاح و تربیت با حسرت چشم به در دوخته‌اند تا شاید نگاهشان به معجزه‌ای روشن شود و با دست های پر مهر و بخشنده نیکوکاران در هوای تازه این شهر، به زندگی برگردند.

زندان به خاطر دعوای کودکانه

بی امان می‌گرید. قلب پر غصه‌اش مثل ابر بهاری دنبال بهانه‌ای برای باریدن است. دلتنگ مادر بزرگی است که برایش بوی مادر می‌دهد. نمی‌خواهد به دوری از او و به پیراهن کبودی که بر تن دارد، عادت کند. دلش دست های نوازشگر می‌خواهد. هنوز عطر بچگی با خودش دارد.
۱۷ ساله است. می‌گوید: بچه که بودم، پدرم زندانی بود. ۶ ماه داشتم که مادرم ترکمان کرد و رفت. در آق تپه زندگی می‌کنیم. در این سال ها، مادر بزرگ مهربانم از من و پدرم نگهداری می‌کند. پدرم در مغازه‌ها، بار خالی می‌کند و پول کمی در می‌آورد. پدربزرگم در قید حیات نیست و مادربزرگم برای خرجی خانه، از بچه‌هایش کمک می‌گیرد.
صدای هق هق گریه پسر زندانی، قلبم را می‌شکند، وقتی می‌گوید: تا ۵ سال پیش مادربزرگم مراقب‌مان بود، اما او زمینگیر شد و من بیش از پیش تنها شدم. زمستان گذشته هیچ‌کس نبود که حتی یک جفت جوراب برام بیاورد. اینجا تک و تنها مانده ام. الان ۹ ماه است که زندانم و کسی به ملاقاتم نیامده. چون پدرم شناسنامه ندارد و نمی‌تواند به ملاقاتم بیاید. دوست دارم شب عید خانه کنار مادربزرگم باشم. او دوستم داشت و مرا بزرگ کرد. کسی نیست مرا ضمانت کند. دیه باید بدهم. شاکی به خانه مان رفته و زندگی‌مان را دیده و با ۵ میلیون تومان رضایت می‌دهد.
پسرک خاطرات آن روز شوم را مرور می‌کند: قبلاً در یک دکه کنار پارک کار می‌کردم. دعوا شد. رفتم ببینم چه اتفاقی افتاده که یک توپ به کتفم خورد. جر و بحث‌مان بالا گرفت و من با مشت و لگد پسر جوانی را زدم. همه همدیگر را می‌زدند اما من کسی را نداشتم و مقصر ماجرا شدم.

شاگرد آشپز

۵ سال پیش پدر و مادرش از هم جدا شدند. پدر معتاد بود اما مادر نتوانست از ۴ فرزندش دست بکشد و در خانه مستأجری برای فرزندانش هم پدر شد، هم مادر.
۲ برادر دارد که کارگر هستند و با دستمزد ناچیز بار زندگی را به دوش می‌کشند. پسر ۱۷ ساله در حصارک کرج در رستورانی کار می‌کرد و کمک آشپز بود. شش کلاس بیشتر درس نخوانده و ترک تحصیل کرده بود. مگر بدون سایه پدر می‌شود زیر سقف کلاس درس نشست و به فکر اجاره خانه و تنگدستی مادر نبود؟
مدتی قبل چند پسر شرور از او خفت‌گیری کردند و او ناچار به دفاع از خود شد. می‌گوید در محله فقیرنشین ما همه چاقو در جیب دارند.
از ۸ ماه پیش به خاطر ۱۰ میلیون تومان دیه زندانی است. با این سن کم هم دیابت دارد و هم چربی خون و اگر درمان نکند...

درگیری با پسر خاله‌ها

۲ سال بیشتر نداشت که مادر رهایش کرد و رفت. پسرک را به خانواده شوهرش سپرد. پدر بزرگ و مادر بزرگ مسئولیت نگهداری از نوه را پذیرفتند و مدتی بعد بار دیگر به زندگی پسرشان، سر و سامان دادند. پدر ازدواج مجدد کرده و اعتیاد دارد.
۱۶ ساله است. می‌گوید در پارک، فوتبال بازی می‌کردیم. پسر جوانی به عمد تنه زد. آتش دعوا از همان جا روشن شد. آنها از من بزرگتر بودند و پسرخاله‌ها مرا بشدت کتک می‌زدند. مددکاری کانون اصلاح و تربیت، شاکیانم را برای صلح و سازش به زندان دعوت کرد. اما باید ۱۰ میلیون تومان دیه برای آزادی بدهم. او بیش از ۳ ماه است که زندانی است.

سرگذشت غم انگیز پسر نوجوان

در رأی دادگاه قید شده که این زندانی محکوم به رد مال یک دستگاه تلویزیون سامسونگ ۴۲ اینچ است. این پسر ۱۷ ساله با شکایت صاحبخانه بازداشت و روانه کانون اصلاح و تربیت شده است.
پسر نوجوان می‌گوید: ۳ ساله بودم که مادرم از ناچاری و بی‌پناهی مرا به مرد نیکوکاری سپرد و رفت. پدر خوانده‌ام مرا مانند ۹ فرزند خودش دوست دارد. او برایم شناسنامه گرفت و به مدرسه فرستاد. مرد مهربان ۹ بار سکته کرده و در حال حاضر نیز به‌خاطر سکته قلبی در بیمارستان رجایی کرج بستری است. باید به ملاقات پدرم بروم. اگر او نباشد من گم می‌شوم. او ریشه‌های مرا می‌شناسد. او همه هویت من است. می‌ترسم که تنهایم بگذارد.
۲ ماه است که زندانم. داشت برای آزادی‌ام تلاش می‌کرد که سکته کرد. به خاطر ضمانت وام یکی از فرزندانش، حقوقش نیز مسدود شده است و من در اینجا فراموش شدم.
می‌گوید: چند ماه قبل خانه‌ای اجاره کردیم اما اثاثیه پسر صاحبخانه در یکی از اتاق‌ها بود و خانه را تحویل نمی‌دادند. من هم بچگی و حماقت کردم و به‌خاطر لجبازی و آزار پسر صاحبخانه، تلویزیون او را از اتاقش برداشتم و به دوستم دادم. اما پس از دستگیری و اقرار، دوستم زیر بار نرفت و منکر شد.

داماد ۱۷ ساله در زندان

چهره گریان نوعروس ۱۵ ساله در اتاق ملاقات زندان که در دوری از شوهر ۱۷ ساله‌اش بی‌قراری می‌کند، لحظه‌ای از یادم نمی‌رود.
در خلاصه پرونده داماد نوجوان نوشته شده است «اتهام: تهدید به قتل. سرقت»
بعد از یکسال عاشقی، ۶ ماه پیش با هم ازدواج کردند. داماد کارگر پیتزا فروشی بود و ماهی یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کرد. در هشتگرد قدیم، اتاق کوچکی با ۵۰۰ هزار تومان ودیعه و ماهانه ۲۰۰ هزار تومان اجاره تهیه کردند و زندگی مشترکشان را جشن گرفتند، اما طلاهای زن صاحبخانه به سرقت رفت.
یکی از مستأجران اعتراف کرد او طلاها را ربوده و داماد نوجوان را به‌عنوان همدست معرفی کرد. خودش می‌گوید بی‌گناهم و به همین خاطر در برابر این تهمت، نزد قاضی با عصبانیت به شاکی حمله و فحاشی کردم. در اوج ناراحتی، شاکی را به قتل تهدید کردم و قاضی هم مرا بازداشت کرد. داماد زندانی باید برای آزادی ۶ میلیون تومان به شاکی بدهد.
خانواده نوعروس دخترشان را نزد خود برده‌اند و صاحبخانه گفته است که باید خانه را تخلیه کنند. عمر خوشبختی آنها خیلی کوتاه بود و فقط ۶ ماه دوام داشت. پدر داماد نتوانسته برای آزادی پسرش، رضایت شاکی را جلب کند. پدر و مادر عروس هم فقیرتر از آن هستند که قدمی برای داماد و دخترشان بردارند.
این غمنامه داماد ۱۷ ساله‌ای است که پشت میله‌های زندان آرزو می‌کند ای کاش زندگی اش از هم نپاشد و بتواند اولین سفره هفت سین زندگی مشترکشان را کنار همسرش جشن بگیرد.
مددکاران زندان می‌گویند شاکی این پرونده نیز زندانی است و برای گذشت با او مذاکره کرده‌اند. اما تنها راه آزادی داماد نوجوان، پرداخت ۶ میلیون تومان به شاکی است.

امید به سخاوت نیکوکاران

در آستانه نوروز، آزادی این زندانیان نا امید به همت نیکوکارانی بسته است که دل های خود را به روی دردمندانی گشوده‌اند که هیچ پناهی ندارند و پشت دیوارهای سرد و سنگین زندان به انتظار روزنه‌ای امید بخش، دست به دعا برداشته‌اند تا شاید به معجزه‌ای، قلب پر دردشان سرشار از نور و روشنایی شود.